

پژوهشنامهٔ ادب غنایی

دانشگاه سیستان و بلوچستان

سال ششم، شمارهٔ یازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۷

(صص: ۱۳۰-۱۱۳)

آرمان شهر زنان در خسرو و شیرین حکیم نظامی گنجه ای

دکتر اسحاق طغیانی* - زهرا معینی فرد**

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان

چکیده

زنان، آرمان‌ها و حقوقشان از جمله موضوعاتی است که در سال‌های اخیر بسیار مورد توجه و تحقیق قرار گرفته است. بر اساس این تحقیقات آنچه به عنوان اتوپیا یا آرمان شهر زنان مطرح شده، به زعم بسیاری در ادبیات ملت‌ها کم سابقه است. اما حکیم نظامی گنجوی شاعر بزرگ قرن ششم هجری، هشت قرن پیش در مثنوی غنایی خسرو و شیرین، شهری به نام ارمن را معرفی می‌کند که به میزان زیادی با تعاریفی که از اتوپیا شده سازگار است و اکثر مفاهیم فمینیستی را در نظریه‌های مدرن پوشش می‌دهد.

در مقاله‌ی حاضر نگارندگان ضمن بررسی موضوعاتی از قبیل: تعریف آرمان شهر و بررسی قدمت آن، ویژگی‌های آرمان شهر نظامی، جنبه‌های اسطوره‌ای این شهر، بررسی شخصیت و خصوصیات

*Email: etoghyani@hatmail.com

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان Email:saghysarmastan@yahoo.com

تاریخ پذیرش: 87/5/23

تاریخ دریافت: 87/2/4

بانوان این شهر و در پایان مقایسه‌ی آرمان شهر زنان از دیدگاه حکیم گنجه و نظریه های معاصر؛ نشان خواهند داد این مقوله ها در ادب پارسی و حداقل در خسرو و شیرین نظامی، این اثر غنائی معروف سابقه ای دیرین دارد.

روشی که برای این پژوهش برگزیده ایم روش تطبیقی است به این صورت که مطالب تحت چهار عنوان اصلی که در حقیقت ویژگی های اساسی آرمان شهر است طبقه بندی شده و در ذیل هر عنوان پس از ارائه‌ی تعاریف، ایات مرتبط با آن بخش از خسرو و شیرین برگزیده شده و در نهایت تحلیلی تطبیقی در ذیل هر بخش صورت گرفته است.

قسمت دیگر این مقاله منشأ اسطوره ای این شهر است که بر آن بوده ایم تا با توجه به اساطیر و افسانه هایی که درباره‌ی این شهر وجود دارد، ریشه های این داستان را بیابیم.

واژگان کلیدی: آرمان شهر، خسرو و شیرین نظامی، اتوپیا.

مقدمه

«شهر آرمانی یا مدینه‌ی فاضله، جامعه ایست خیالی که باشندگان آن در شرایط کامل می‌زیند. جایی است دست نیافتنی که تصور آن همواره در افق آرزوی بشر نمونه‌ی خیر برین و زیبایی و رستگاری بوده» (اصیل، ۱۳۷۱: ۱۵).

اولین کسی که از این سرزمین خیالی سخن گفته افلاطون است، او رساله ای به نام قریطیاس نوشته بود که فقط چند صفحه‌ای از ابتدای آن باقی ماند. در آن رساله سقراط از قریطیاس می پرسد که می خواهم بدانم در مملکتی که بر وفق دلخواه خردمندان اداره می شود و به کمال مطلق رسیده اوضاع و احوال از چه قرار است؟ قریطیاس جواب می دهد که بیش از نه هزار سال پیش همین اهل آن همگی مردمانی کامل عیار بودند و مدینه‌ی ایشان بنحوی که دلخواه مردم حکیم است اداره می شد (مینوی، ۱۳۶۷: ۱۳۴). پس افلاطون مدینه فاضله را شهری می داند که به دلخواه مردم حکیم اداره می شود. بعد از آن افلاطون در کتاب جمهور به طور کامل عقیده‌ی

خود در مورد یک آرمان شهر واقعی را بیان می کند جایی که مردم و حکومت آن به بالاترین درجه کمال نایل شده باشند.

اندیشمندان ایرانی نیز در باب این موضوع نظریات مهم دارند که معروف ترین آنها ابو نصر فارابی (۲۵۹-۳۳۸ هـ. ق.) حکیم مسلمان قرون سوم و چهارم هجری قمری است. او در طرح آرمان شهر خود به حکمت یونان و نظرات افلاطون نیز توجه کرده است اما اندیشه اش جوهری اسلامی دارد و بر این اساس آرمان شهری که او پیشنهاد می کند بر پایه ی فضیلت و تقوای سیاسی است. مدینه ی فاضله فارابی جامعه ایست کاملاً روحانی و او طرفدار فرمانروایی حکیمان فرزانه است و سعادت انسان و جامعه را در دنیا و آخرت هماهنگی و سادگی می داند. از نظر فارابی در چنین جامعه ای رهبری با بهره مندی از خصلت هایی چون: تندرستی، نیرومندی، زیرکی، اعتدال، راست گویی، اراده ی قوی به همراه الهام گرفتن از فیض آسمانی امکان پذیر است (فارابی، ۱۳۵۸: ۱۵۲-۱۴۸).

سال ها بعد در سال ۱۵۱۶ کتابی تحت عنوان یوتوپیا (utopia) منتشر شد که به سرعت شهرتی جهانی پیدا کرد. این کتاب توسط یکی از رجال معروف انگلیس به نام سر تامس مور تألیف شد. " او در این کتاب جامعه ای سعادت مند را در جزیره ای دوردست توصیف می کند که مانند همه ی آرمان شهرها واکنش ذهن عصیانگر نویسنده نسبت به ناروایی های روزگار است" (اصیل، ۱۳۷۱: ۱۶). کلمه یوتوپیا اختراع خود نویسنده است که دارای مفهوم کنایی و طنز آمیز است.

این خلاصه ای بود از مفهوم آرمان شهر و قدمت آن که در آن جنسیت مطرح نیست و همه با هم برابر هستند، ولی آنچه که از سال ۱۹۷۰ به بعد توجه اذهان عمومی را به خود معطوف کرد، جنبش فمینیستی بود که می توان نگرش های آنان را تحت عنوان آرمان شهر زنان مطرح کرد.

و اما فمینیسم چیست؟ " جنبش سازمان یافته ای برای دست یابی حقوق زنان و نیز ایدئولوژی یی برای دگرگونی جامعه که هدف آن صرفاً تحقق برابری اجتماعی زنان نیست بلکه

رویای رفع انواع تبعیض و ستم‌نژادی و طبقاتی و غیره را در سر می‌پروراند (آبوت، ۱۳۸۰: ۳۲۲). فمینیسم انواع گوناگون دارد عده‌ای برابری جنسی، عده‌ای برابری اقتصادی و عده‌ای دیگر برابری اجتماعی را در نظر دارند و در این میان رادیکال فمینیسم‌ها همه‌ی شکل ستم و سلطه را ناشی از برتری جویی مردان می‌انگارد و هدف خود را جایگزینی جوامع مرد سالار کنونی با جوامع زن محور معرفی می‌کنند (همان: ۳۲۲).

تفکر اتوپیایی همواره منبع الهام سیاسی برای فمینیست‌ها بوده است، برای نمونه مادر سالاری در فمینیسم قرن نوزدهم که شارلوت پرکینز گیلمن در آرمان شهر خود، زنستان (۱۹۱۵)، توصیف می‌کند بیان ارزش‌های آرمان شهری است. مارج پی یرس در کتاب زن بر لبه‌ی زمان (۱۹۷۶) طرح یک اتوپیای جمع‌گرای ممکن، غیر جنس‌گرا و زایا را ارائه می‌کند.

داستان علمی تخیلی فمینیستی تصاویری اتوپیایی از جهانی زنانه خلق می‌کند که در آن زنان الگوهایی برای بشریت‌اند. بنا بر استدلال نظریه پردازان فمینیست فرانسوی آرمان شهرها شکل مهمی از تخیل جامعه‌شناختی‌اند برای نمونه، هلن سیکسو نوشتار مونث / زنانه و لذت کامل تن زن را رویایی اتوپیایی درباره‌ی خلاقیت زنانه می‌داند (هام، ۱۳۷۳: ۴۵۲).

با این که عده زیادی تصور می‌کنند مسأله‌ی دفاع از حقوق زنان برای اولین بار در اروپا مطرح شده ولی اگر کتاب فرهنگ قدیمی و درخشان ایران را ورق بزنیم در قرن شش حکیمی را می‌بینیم که از بیت بیت شاهکارهایش رایحه‌ی خوش آرمانخواهی و عدالت‌جویی به مشام می‌رسد، این حکیم بزرگ، جمال‌الدین الیاس بن یوسف بن زکی مؤید مشهور به نظامی گنجوی است.

در همه آثارش چه مجموعه تعلیمی مخزن الاسرار و چه منظومه‌ی بزمی خسرو و شیرین شاهد این روحیه‌ی عدالت‌خواهی و آرمان‌جویی هستیم.

نظامی در خسرو شیرین شهری به نام ارمن را معرفی می‌کند، شهری که قهرمان داستان یعنی شیرین از این شهر برخاسته است. می‌توان با صراحت گفت ویژگی‌های این شهر با

تعاریفی که از اتوپیا شده سازگار است و شهروندان این شهر، ارمن را به آرمان شهر زنان تبدیل کرده اند.

ویژگی های شهر ارمن

از ویژگی های یک آرمان شهر انزوا، برابری، هماهنگی و ایستایی است (این بخش بر اساس کتاب فرهنگ نظریه های فمینیستی و کتاب آرمان شهر در اندیشه‌ی ایرانی تنظیم شده است). در این قسمت نگارنده کوشیده آرمان شهر نظامی را با این معیارها بررسی کرده و توصیف کند.

انزوا

طراح آرمان شهر معمولاً نگران تأثیر جوامع دیگر بر شهر آرمانی خویش است. زیرا نظام سیاسی نیز تابع قانون کلی حاکم بر نظام هاست و با محیط، تبادل اندیشه و اطلاعات می کند. از این رو باشندگان شهر در برابر هجوم هنجارها و ارزش های جوامع دیگر دگرگونی می پذیرند و جامعه به تدریج خلوص و پاکی را که مورد نظر طراح بوده است از دست می دهد. برای پرهیز از چنین خطری است، که بسیاری از طراحان آرمان شهر، جامعه یا شهر آرمانی را با ابعادی کوچک در نظر می گیرند یا جایگاه آن را در مکانی دوردست قرار می دهند یا آمد و شد باشندگانش را با بیگانگان محدود می کنند (اصیل، ۱۳۸۰: ۲۷).

شهر ارمن نیز چنان که توصیف شده است کوهستانی بوده که بعد از طی بیابان ها کسی می توانسته به آن برسد چنان که در دو جای داستان به وضعیت جغرافیایی این شهر اشاره شده ابتدا هنگامی که شاپور نزد خسرو برای اولین بار از شیرین و شهر ارمن سخن می گوید این شهر را چنین توصیف می کند:

شگفتی ها بسی دیدم در آفاق

که باشد فرضه دریای دربند

بسی گشتم در این خرگاه شش طاق

از آنسوی کهستان منزلی چند

زنی فرماندهست از نسل شاهان
شده جوش سپاهش تا سپاهان
همه اقلیم اران تا به ارمن
مقرر گشته بر فرمان آن زن
(نظامی، ۱۳۸۵: ۱۶۵)

و مرتبه‌ی دوم هنگامی است که شاپور به طلب شیرین به ارمن می رود:
برنده ره بیابان در بیابان
به کوهستان ارمن شد شتابان
(همان: ۱۶۹)

پس می بینیم که رسیدن به ارمن چندان آسان هم نبوده و بعد از گذشتن از بیابان ها رسیدن به مقصد امکانپذیر است.

برابری

عدالت و برابری نه تنها در آرمان شهر زنان بلکه هدف بزرگ تمام آرمان شهرهای دیگر است. نظامی از جمله شاعرانی است که در پی عدالت و فرمانروایی عادل بوده و چنان که گذشت در تمام آثارش شاهد این ویژگی هستیم. با این که داستان آرمان شهر نظامی حول همین محور عدالت می چرخد، اما این مسأله هنگامی به معنای واقعی در داستان جلوه می کند که شیرین به جای مهین بانو به پادشاهی می نشیند:

چو بر شیرین مقرر گشت شاهی	فروغ ملک بر مه شد ز ماهی
به انصافش رعیت شاد گشتند	همه زندانیان آزاد گشتند
ز مظلومان عالم جور برداشت	همه آیین جور از دور برداشت
ز هر دروازه‌ای برداشت باجی	نجست از هیچ دهقانی خراجی
مسلم کرد شهر و روستا را	که بهتر داشت از دنیا دعا را
ز عدلش باز با تیهو شده خویش	به یک جا آب خورده گرگ بامیش
رعیت هر چه بود از دور و پیوند	به دین و داد او خوردند سوگند

فراخی در جهان‌چندان اثر کرد که یک دانه غله صد بیشتر کرد

(همان: ۲۲۴)

از نکات شایان توجه این است که پادشاهی زن این عدالت را بر کشور حکمفرما می‌کند که این خود یکی از ویژگی‌های مهم آرمان شهر زنان است، یعنی زن فرمانروای عادلانه بدون نیاز به هیچ مردی زمام امور را قدرتمندانه در دست بگیرد.

هماهنگی

در یک آرمان شهر هر کار و رفتاری طبق قانون یا سنت باید هماهنگ و همانند با همه‌ی شهروندان صورت گیرد. آنچه بعد از این خواهد آمد نمونه‌هایی از هماهنگی در شهر ارمن است.

این شهری است کاملاً زنانه که فرمانروا، ولیعهد، امیران، جنگاوران همه زن هستند و هیچ مردی در امور کشوری و لشکری دخالت ندارد. فرمانده این شهر مهین بانو عمه‌ی شیرین است، چنانکه شاپور می‌گوید:

زنی فرماندهست از نسل شاهان شده جوش سپاهش تا سپاهان

(همان: ۱۶۵)

ولیعهد او شیرین است:

شکر لفظان لبش را نوش خوانند ولیعهد مهین بانوش خوانند

(همان: ۱۶۷)

امیران کشور دختران زیبا چهره هستند:

پریرویان کز آن کشور امیرند همه در خدمتش فرمان پذیرند

(همان: ۱۶۵)

و جنگاوران نیز زنان این کشور هستند:

به خوبی در جهان یاری ندارند به گیتی جز طرب کاری ندارند

چو باشد وقت زور آن زورمندان کنند از شیر چنگ، از پیل، دندان

(همان: ۱۶۷)

در توصیف ارمن نظامی به صورت های گوناگون به دو مورد مهم در رابطه با شهروندان این شهر اشاره می‌کند که می‌توان این دو مورد را با نظریات رادیکال فمینیسم های معاصر تطبیق داد و آنها را جزو اصول اساسی آرمان شهر زنان دانست این دو مورد عبارتند از: ۱- ازدواج نکردن (جدایی طلبی) ۲- قدرت جسمانی برابر با مردان برای مورد اول شواهدی مثل موارد زیر می‌توان ارائه داد:

در توصیف مهین بانو (عمه شیرین)، شاپور چنین می‌گوید:

ندارد شوی و دارد کامرانی به شادی می‌گذارد زندگانی

(همان: ۱۶۰)

و همچنین در بخشی که شاپور جمال شیرین را وصف می‌کند در مورد خدمتکاران او می‌گوید:

ز مهتر زادگان ماه پیکر بود در خدمتش هفتاد دختر

به خوبی هر یکی آرام جانی به زیبایی دلایز جهانی

به خوبی در جهان یاری ندارند به گیتی جز طرب کاری ندارند

(همان: ۱۶۷)

و همچنین در جایی دیگر در توصیف پرویانی که در خدمت شیرین هستند می‌گوید:

عروسانی زناشویی ندیده به کابین از جهان خود را خریده

و اما در مورد قدرت جسمانی برابر با مردان ابیاتی ذکر شده:

ز مردان بیشتر دارد سترگی مهین بانوش خوانند از بزرگی

(همان: ۱۶۵)

و همچنین چنان که ذکر شد جنگاوران از پرویان این شهر بودند:

چو باشد وقت زور آن زورمندان
کنند از شیر، چنگ از پیل، دندان
(همان: ۱۶۷)

کارهای مردانه همچون شکار، چوگان بازی از دیگر ویژگی های بانوان این شهر است.
در توصیف مهین بانو:

به تابستان شود بر کوه ارمن
خرامد گل به گل خرمن به خرمن
به هنگام خزان آید به ابخاز
کنند در جستن نخجیر پرواز
زمستانش به ارمن میل چیر است
که بردع را هوای گرمسیر است
(همان: ۱۶۵)

غیر از فرمانده کشور دیگر زنان نیز این ویژگی ها را دارا بودند و گویا یکی از شرایط زیستن زنان در این شهر کسب مهارت های مردانه است:

چو شیرین دید روی مهربانان
چربی گفت با شیرین زبانان
که بسم الله به صحرا میخرامم
مگر بسمل شود مرغی به دامم
بتان از سر سراغ باز کردند
دگرگون خدمتش را ساز کردند
به کردار کله داران چون نوش
قبا بستند بکران قصب پوش
که رسمی بودکان صحراخرامان
به صید آیند بر رسم غلامان
(همان: ۱۷۷)

و در قسمت چوگان باختن خسرو با شیرین در توصیف خدمتکاران شیرین آمده:
چو شیر ماده آن هفتاد دختر
سوی شیرین شدند آشوب در سر
به مردی هر یکی اسفندیاری
به تیر انداختن رستم سواری
به چوگان خود چنان چالاک بودند
که گوی از چنبر گردون ربودند
(همان: ۱۹۹)

ایستایی

اگر به پیروی از تاریخ گرایان برای تاریخ هدف و غایتی قابل شویم و فرجام آن را کمال جامعه‌ی انسانی و رستگاری فرد و جامعه بدانیم، آرمان شهر نقطه‌ی پایان پویش تاریخ است (اصیل، ۱۳۸۰: ۲۸) در شهر ارمن چنان که دیدیم زنان دارای یک موقعیت آرمانی و رویایی هستند که شاید بتوانیم بگوییم این شهر همان شهر آرمانی رادیکال فمینیست‌های معاصر است شهری بدون مردان. ولی همین ایستایی و پافشاری بر قوانین شهر زندگی را ملال آور می‌کند و بالاخره باعث طغیان می‌شود. در ارمن نیز همه‌ی زنان بدون مرد زندگی می‌کنند و هنگامی که شیرین با دیدن تصویر خسرو از خود بی‌خود می‌شود خدمتکاران (همان هفتاد پری چهر) از تغییر در امور هراسان می‌شوند:

نگهبانان بترسیدند از این کار کز این صورت شود شیرین گرفتار

(همان: ۱۷۱)

واین آغاز دگرگونی در آرمان شهر نظامی است، با وجود این که ازدواج با ارزش‌های این آرمان شهر مغایرت داشت، ولی مهین بانو به خاطر علاقه به شیرین این امر را می‌پذیرد آن هم تنها به شرط ازدواج قانونی، مهین بانو به شیرین اندرز می‌دهد که:

پس مردان شدن مردی نباشد زن آن به کش جوانمردی نباشد
تو خود دانی که وقت سرفرازی زناشویی بهست از عشقبازی

(همان: ۱۹۹)

و شیرین هم قول می‌دهد که:

که گر خون گریم از عشق جمالش نخواهم شد مگر جفت حلالش

(همان: ۱۹۹)

می‌توان گفت که آرمان شهر نظامی با ورود خسرو رو به اضمحلال می‌رود چون پس از مدتی مهین بانو می‌میرد و بعد از اینکه شیرین به جای او بر تخت می‌نشیند با این که به اصول آرمان شهر پایبند است و چنان که دیدیم عدالت را به معنای تمام اجرا می‌کند ولی به عشق

خسرو ارمن را رها می کند و این فرود بعد از فراز است و این دیدگاه که " دولت آرمانی دگرگونی نپذیرد و اگر بپذیرد، این دگرگونی به سوی بدتر شدن است " (اصیل، ۱۳۷۱: ۲۸) این موضوع را تأیید می کند و اما سرچشمه‌ی این گرایش آرمانی نظامی کجاست؟

اول این که نظامی این منظومه را به یاد نخستین همسرش، آفاق که به او عشق می ورزیده سروده و در پایان داستان خود به این امر اشاره کرده و سوگ او را با سوگ شیرین در می آمیزد:

تو کز عبرت بدین افسانه مانی	چه پنداری مگر افسانه خوانی
در این افسانه شرط است اشک راندن	گللابی تلخ بر شیرین فشاندن
به حکم آن که آن کم زندگانی	چو گل بر باد شد روز جوانی
سبکرو چون بت قبچاق من بود	گمان افتاد خود کافاق من بود
همایون پیکری نغز و خرد مند	فرستاده به من دارای دربند

(همان: ۳۳۹)

و شاید همین زن (آفاق) تأثیر زیادی در نگرش نظامی نسبت به زن و مسائل مربوط به زنان داشته است.

دیگر اینکه شاید این گرایش ناشی از تأمل نظامی در تاریخ ایران باستان و مقام زن در ایران باستان بوده است. چرا که در ایران باستان زن مقامی ارجمند داشته و در بسیاری از شئون با مرد همکاری می نمود (آذر گشسب، ۱۳۵۴: ۸). پروفیسور کریستین سن خاورشناس دانمارکی، در کتاب خود به نام شاهنشاهی ساسانیان می نویسد: رفتار مردان نسبت به زنان در ایران باستان انسان را به جای چنان دوران دور به یاد رفتار نزاکت آمیز قرن هجدهم می اندازد (همان: ۸). دوشیزگان ایران باستان چه در اجتماع و چه در زندگی خصوصی از آزادی عمل برخوردار بودند.

و این امر که زنان ایرانی در ایران باستان فنون تیر اندازی، اسب سواری و شمشیر زنی و دیگر هنرهای پهلوانی را آموزش می دیدند و در شکار و جنگ شرکت می جستند، در آرمان شهر نظامی چنان که دیدیم بازتاب گسترده ای داشته است.

دیگر این که در ایران باستان زن دارای همان حقوق و شئونی بود که یک مرد داشت و زنان در صورت داشتن لیاقت و شایستگی می توانستند به کلیه درجات ارتقا یابند، حتی زنان ایران حق آن را داشتند که به مقام شاهنشاهی و فرمانروایی کشور برسند. نظامی شهر ارمن را بر اساس چنین منش و اندیشه ای بنا کرده و سعی کرده گوشه ای از فرهنگ عظیم ایرانی را به نمایش بگذارد.

منشأ اسطوره ای این شهر

چون نظامی این شهر را در ارمن بنا کرده باید در اساطیر، افسانه ها و تاریخ این ملت به دنبال ریشه های این داستان بگردیم. در اساطیر یونان شاهد زنانی به نام آمازون ها هستیم که در حدود ارمنستان می زیسته اند و از بسیاری از جهات به زنان شهر ارمن شباهت دارند. گریمال در فرهنگ اساطیر یونان و روم در این باره می گوید: آمازون ها ملتی بودند که همه ی افراد آن را زنان تشکیل می دادند و از اعقاب آرس خدای جنگ و یکی از نمف ها به نام هارمونی بودند. کشور آنها در شمال یعنی در دامنه های قفقاز یا در تراس و یا در سیتی جنوبی (جلگه های سمت چپ دانوب) قرار داشت. اداره ی مملکت به دست خود آنها بدون کمک مردان صورت می گرفت، و اختیار همه ی کارها به دست ملکه ی آنها بود. هیچ مردی حق ورود به خاک آنها را نداشت مگر آنکه برای خدمتکاری یا انجام کارهای سخت و پست احضار شده باشد. بنابر روایتی آنها اولاد خود را هنگام ولادت در صورتی که پسر بود کور یا لنگ می کردند و به روایت دیگر آنها را می کشتند. ضمناً برای آنکه نسل آنها از بین نرود در فصل معینی با مردان آمیزش می کردند و فقط دخترانی که از این وصلت ها به وجود می آمد نگاه می داشتند و یکی از پستان های آنها را می بریدند تا هنگام استفاده از تیر و کمان یا نیزه زحمتی نداشته باشند. به همین مناسبت به این مردم نام آمازون (یعنی کسانی که پستان ندارند) گذاشته اند. این جمعیت به جنگ علاقه ی وافری داشتند درباره ی جنگ هایی که اقوام یونانی با این اقوام کرده اند داستان های زیادی در دست است (گریمال، ۱۳۶۳: ۶۳).

به نظر می رسد که نظامی از این اسطوره‌ی مردم ارمنستان اطلاع داشته و قصد داشته که الگوی آرمان شهرش با این اسطوره منطبق باشد.

در ادامه گریمال می گوید: ربه‌النوع مورد ستایش آمازون ها آرتیمیس بود. که او نیز مانند آمازون ها به جنگ و شکار علاقه‌ی فراوانی نشان می داد، بنای افز و همچنین معبد آرتیمیس را به آمازون ها نسبت می دهند.

و اما آرتیمیس کیست؟ آرتیمیس یکی از خدا بانوان باکره یونان است. او خدا بانوی شکار و ماه و دختر بلند بالا و دوست داشتنی زئوس و لیتو بود که با گروهی از حوریان و سگ های شکاری در جنگل ها، کوه ها و مرغزار ها به کشف و سیاحت می پرداخت. با پیراهنی کوتاه بر تن، کمائی نقره ای در دست و ترکشی پر از تیر بر پشت، تجسم تیر انداز و هدفگیری بی خطا بود (بولن، ۱۳۷۳: ۶۵).

کهن نمونه‌ی آرتیمیس زنان را از چنان قدرت درونی برخوردار می سازد که بتوانند به رغم نیاز های دیگران و نیز به دور از رقابتجویی شان بر امور دلخواه خویش عمیقاً تمرکز کنند.

آرتیمیس بیانگر کیفیت های آرمانی جنبش زنان چون نیل به هدف، توانایی، رهایی از قید مردان و داوری هایشان و حمایت از مظلومان، زنان ناتوان و کودکان بوده است. مسائل مورد توجه آرتیمیس با الویت های جنبش زنان همسانی دارد (همان: ۷۰).

در مقام یک خدا بانوی باکره، آرتیمیس به کسی دل نمی باخت. او بیانگر حس دست نخوردگی، کمال در خود و ذهنیت " من خود قادرم از پس زندگی برآیم " بود، خصوصیتی که به زن فرصت می دهد با اطمینان خاطر و روحی آزاده عمل کند. او بر استقلال و جدایی از مردان تأکید داشت.

آرتیمیس همیشه با جمعی از حوریان بود، رب النوعان دون پایه ای که با عناصر طبیعت از جمله کوه ها، جنگل ها، و رودخانه ها در ارتباط بودند و آرتیمیس را در کشف محیط اطراف و شکار در گستره طبیعت وحشی همراهی می کردند. اینان جمعی از خواهران را تشکیل می دادند که از میان ایشان آرتیمیس نقش خواهر بزرگ را بر عهده داشت (همان: ۷۰).

چنان که دیدیم شیرین که گویی تجلی آرتمیس در ارمن است با هفتاد پریچهر در کوهستان ها به شکار و طرب می پردازد. و اینان چون دوستانی برای هم کفایت می کنند:

عروسانی زنا شویی ندیده	به کابین از جهان خودراخریده
نشسته هر یکی چون دوست با دوست	نمی گنجد کس چون در پوست
می آوردند و در می دل نشانند	گل آوردند و بر گل می فشانند
نهاده باده بر کف ماه و انجم	جهان خالی ز دیو و دیو مردم
همه تن شهوت آن پاکیزگان را	چنان کائین بود دوشیزگان را
چو محرم بود جای از چشم اغیار	ز مستی رقصشان آورد در کار
گه این می داد برگل ها درودی	گه آن می گفت برگل هاسرودی
ندانستند جز شادی شماری	نه جز خرم دلی دیدند کاری
در آن شیرین لبان رخسار شیرین	چو ماهی بود گرد ماه پروین

(همان: ۱۷۰)

زن آرتمیسی دلباخته مردی توانا می شود، اما چون نمی تواند حس رقابتجویی خود را از این رابطه دور نگاه دارد، سرانجام باعث نابودی رابطه می شود؛ اگر دو طرف نتوانند از حسادت و رقابت با یکدیگر بپرهیزند، زندگی تبدیل به میدان مبارزه ای می شود که نتیجه ی آن انهدام رابطه خواهد بود (بولن، ۱۳۷۳: ۸۶).

در این منظومه هم شاهد رقابت ها و کشمکش های فراوانی بین خسرو و شیرین هستیم که همین رقابت ها باعث خلق شاهکار بزرگ حکیم گنجه شده است.

چنان که دیدیم بسیاری از ویژگی های آرتمیس ربه النوع مورد ستایش آمازون ها، با ویژگی های بانوان شهر ارمن که به طور مفصل در بخش های پیش در مورد آنها سخن گفتیم منطبق است، و به نظر می رسد نظامی از وجود این خدا بانو آگاه بوده است. مثلاً زیبایی منحصر به فرد آرتمیس در کنار شجاعت او و حلول این ویژگی ها در بانوان شهر ارمن خود الگویی از یک زن کامل آرمانی است.

اما یکی دیگر از مسائلی که بین اساطیر ایران و ارمنستان مشترک است وجود آناهیتا ایزد بانوی آب هاست که شاید وجود این اشتراک باعث شده که نظامی این آرمان شهر را در ارمن بنا کند. در واقع توجه به این ایزد بانو در هر دو رمز نشان از اهمیت و ارزشی است که مردمان شرق باستان برای زن قائل بوده اند.

بعضی از ویژگی های آناهیتا از قبیل نیرومندی، بلند بالایی و زیبایی در بزرگ بانوان آرمان شهر نظامی، مانند مهین بانو، شیرین و پری چهران این شهر نمود پیدا کرده است.

در ایران ایزد بانوی اردوی سورا (Ardvi sura یعنی اردوی نیرومند) آناهیتا (آبهای نیرومند بی آرایش) سرچشمه‌ی همه آب های روی زمین است. او منبع همه باروری هاست. نطفه‌ی همه‌ی نران را پاک می گرداند، رحم همه مادگان را تطهیر می کند و شیر را در پستان مادران پاک می سازد. در حالی که در جایگاه آسمانی خود قرار دارد، سرچشمه‌ی دریای گیهانی است. او نیرومند، درخشان، بلند بالا و زیبا، پاک و آزاده توصیف شده است. در خور آزادگی خویش تاج زرین هشت پر هزار ستاره بر سر دارد، جامه ای زرین بر تن و گردن بندی زرین بر گردن زیبای خود دارد.

ناهید ایزد بانوی محبوب مردم در بسیاری از سرزمین ها شد. در ارمنستان ((فره و زندگی ارمنستان، زندگی بخش، مادر همه خرد ها، خیر خواه همه‌ی نژاد بشر، دختر اورمزدی (اهورا مزدا) توصیف شده است.

با بررسی جنبه های اسطوره ای این شهر می توان گفت که خالق این آرمان شهر نه تنها بر علوم زمان خود اشراف کامل داشته که به همین دلیل به او صفت حکیم داده اند بلکه اطلاعات فراوانی از ملت های کهن و باستانی، اسطوره ها و باورهای آنان داشته است. این موضوع باعث گسترش میدان دید و اندیشه های متعالی این حکیم بزرگ شده تا جایی که امروز می توانیم از او به عنوان ستایشگر و مدافع حقوق بانوان در قرن شش یاد کنیم.

نتیجه

آرمان شهرها به طور کل حاصل یک دوره‌ی وا پس زدگی و سر خوردگی است. همیشه آنچه را که بشر در دنیای واقعی نمی‌یابد در جهان خیالی یا آرزوها جستجو می‌کند. طراحان آرمان‌شهر به‌عنوان نماینده‌ی یک جامعه‌ی آشفته در پی اصلاح نظام مستقر و انتقاد از آن بر می‌آیند. آرمان شهر زنان نیز که امروزه به طور جدی توسط فنیست‌ها مطرح شده؛ حاصل دوران سرکوب، تحقیر و آزار زنان است.

چنانکه نشان داده شد در قرن شش نظامی جامعه‌ی دور از اجحاف را در شهر ارمن ارائه کرده است. نکته‌ی جالب توجه این است که هم نظامی و هم فمینیست‌ها به یک امر تمسک جسته‌اند و آن هم مفهوم آندروژنی (مرد - زنی) است. " آندروژنی از ریشه‌ی یونانی **andro** به معنای مرد و **gyne** به معنای زن، حالتی کهن الگو واره از یکی شدن طبیعت‌های مذکر و مؤنث در یک موجود واحد است که به قولی همان هسته‌ی روانشناسی یونگ‌را تشکیل می‌دهد. از خصوصیت مهم بانوان شهر ارمن نیز همین بوده. نظامی بر خلاف شاعران بزم سرای دیگر که در توصیف معشوق تنها به ویژگی‌های ظاهری و وصف زیبایی‌ها می‌پردازند، ابتدا در مورد شجاعت و خصوصیات مردانه‌ی زنان این شهر سخن می‌گوید که این خود نوعی هنجار شکنی در منظومه‌های بزمی است. پس می‌توان نتیجه گرفت که نقطه‌ی اشتراک نظامی به‌عنوان طراح آرمان شهر زنان در قرن شش و فمینیست‌های معاصر، همین ایجاد تعادل میان خصوصیات زنانه - مردانه‌ی زنان است.

دیگر آن که آرمان شهر نظامی را می‌توان یک آرمان شهر اخلاقی دانست که وامدار آبخورهای اسلامی است و مقایسه‌ی آن با عقاید فمینیستی تنها به دلیل ویژگی زنانه بودن آن است که نگاهی نو را می‌طلبد و این نگاه نو به متون کلاسیک دریچه‌های تازه‌ای را به روی ادبیات غنی ما می‌گشاید.

دیگر این که هدف از پیوند اندیشه های خرد ورزانه در مورد آرمان شهر با اساطیر در این مقاله نشان دادن این امر است که: " هنگامی که ذهن بشر از بند اسطوره ها رست و آرزوهای خود را در پرتو خرد و دانش دست یافتنی دانست، تصور شهر آرمانی را از دیار اسطوره ها به قلمرو خرد آورد و سعادت فردی و اجتماعی را در طرح اندیشیده هایی جست که هم باز گوینده آرمان او بود وهم نظام های حاکم را به محک آن می سنجید، بنا براین اندیشه ی آرمان شهری، پیشینه ای به قدمت جامعه بشری دارد " (اصیل، ۱۳۷۱: ۱۵).



منابع

- ۱- آبوت، پاملا (۱۳۸۰) جامعه شناسی زنان. ترجمه منیژه نجم عراقی. تهران: نشر نی.
- ۲- آذر گشسب، اردشیر (۱۳۵۴) مقام زن در ایران باستان. تهران.
- ۳- اصیل، حجت الله (۱۳۷۱) آرمان شهر در اندیشه ایرانی. تهران: نشر نی.
- ۴- بولن، شینودا (۱۳۷۳) نمادهای اسطوره ای و روانشناسی زنان. ترجمه آذر یوسفی. تهران: انتشارات روشنگران.
- ۵- فارابی، ابو نصر (۱۳۵۸) سیاست مدینه. ترجمه جعفر سجادی. تهران: انجمن فلسفه ایران.
- ۶- گریمال، پیر (۱۳۶۳) فرهنگ اساطیر یونان و روم. ترجمه احمد بهمنش. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- ۷- مینوی، مجتبی (۱۳۶۷) پانزده گفتار. تهران: انتشارات توس.
- ۸- نظامی، (۱۳۸۵) خسرو و شیرین. تصحیح وحید دستگردی. تهران: نشر میلاد.
- ۹- هام، مگی، سارا گمیل (۱۳۸۲) فرهنگ نظریه های فمینیستی. ترجمه فیروزه مهاجران و دیگران. تهران: نشر توسعه.
- ۱۰- هینلز، جان (۱۳۶۸) شناخت اساطیر ایران. ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی. تهران: نشر چشمه.